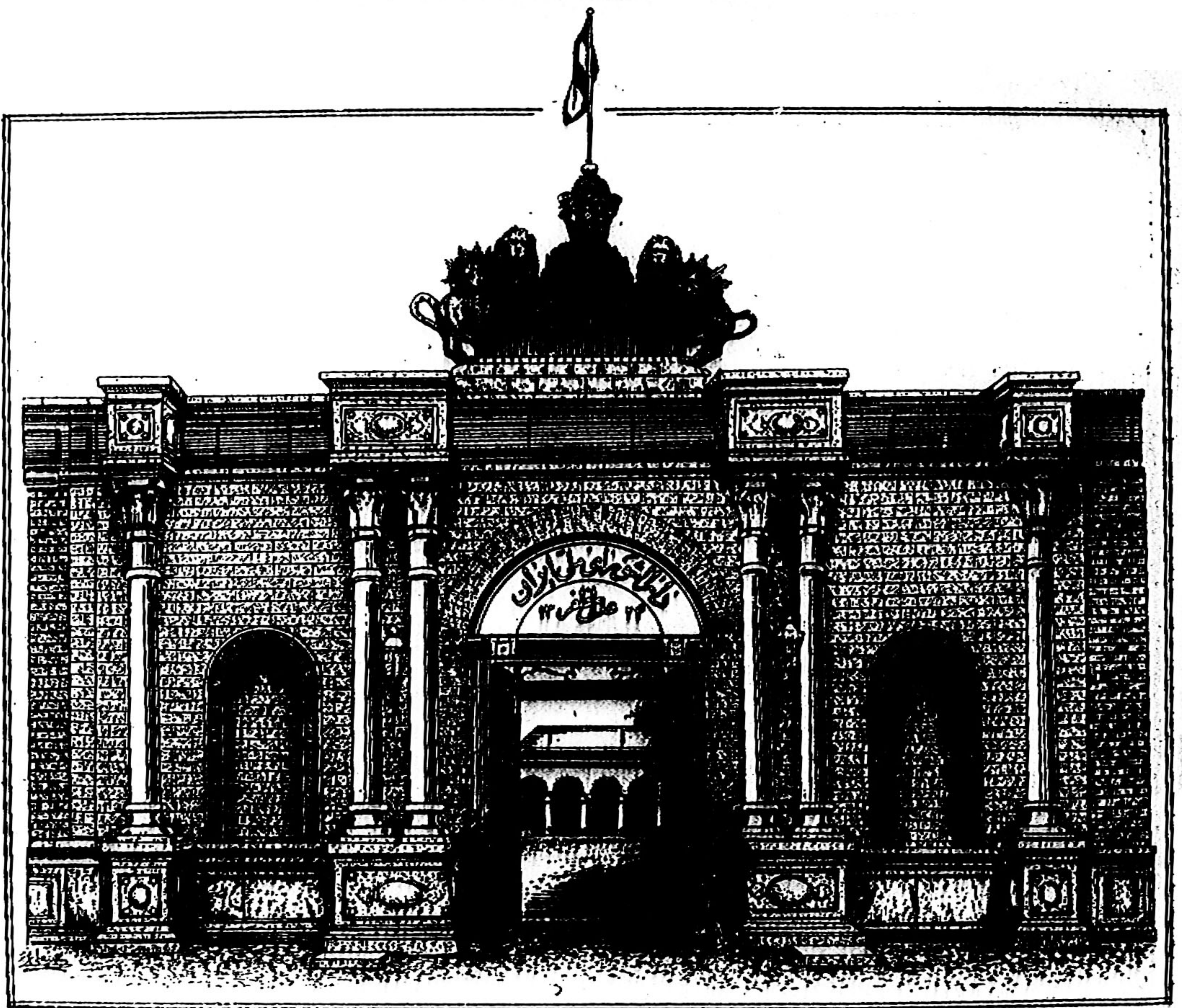


<p>جلسه ۳۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره دوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه ۵ شنبه ۱۰ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۲۶ جادی الاول ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۶ جدی الاولی ۱۳۴۵

### جلسه ۳۶

س دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای ندین تشکیل گردید  
 (صورت مجلس روز سه شنبه هشتم آذر را)  
 آقای ضیاء قرائت نمودند  
 رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست؟ صورت  
 مجلس تصویب شد  
 رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمعافیت  
 چای از مالیات مطرح است ماده واحده قرائت میشود.  
 (بشرح آنی قرائت شد)

ماده واحده - زراعت چای از تاریخ برداشت اولین محصول ناده سال از تأدیبه مالیات معاف خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - موافقید؟

آقا سید یعقوب - بلی موافقم

رئیس - آقای نظامی

نظامی - موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی میگیریم بشور ثانی این ماده - آقابانیکه

موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر کمیسیون قوانین مالیه

راجع بمعافیت ساروج و کچ و آهک مطرح است

(شرح ذیل قرائت گردید)

ماده واحده - در زمین بندهفتم از ماده اول قانون

۱۹ من ۱۳۰۴ راجع بالغاء باج راه بوزارتمالیه اجازه

داده میشود که ساروج و کچ و آهک را که از مملکت خارج

میشود از مالیات راه معاف دارد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از مخبر کمیسیون

محترم قوانین مالیه يك سؤال بکنم آرزو هم راجع بمالیات

روده سؤال کردم و يك جوابی دادند خواستم عرض

کنم که از الغاء این مالیات مسلماً در بودجه يك تفاوتی

پیدا میشود و خوب بود جلب نظر کمیسیون بودجه هم

می شد و این پیشنهاد بکمیسیون بودجه هم میآمد از اینجهه

خواستم این عرض را بکنم که يك اشکال نظامنامه

وارد نشده باشد و الا در اساسش موافق هستم و از نقطه نظر اینکه مخالفت با جریان پارلمانی نکرده باشد این را

عرض کردم

فهیمی - (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - الغاء يك

مالیاتی البته ممکن است در سنوات بعد در دخل و خرج

مملکت اثر داشته باشد لیکن مستلزم این نیست که در

موقع وضع قانون الغاء آن مالیات حکماً بکمیسیون بودجه هم

برود بعلاده این مالیات در قسمت کچ و آهک و ساروج

چیز خیلی مختصری است زیرا در سنوات اخیر خیلی کم

خارج شده مخصوصاً از موقعی که این مالیات بر آنها

نحمیل شده است و باین مناسبت عایداتی هم نداشته است

باینجهه يك کسر فوق العاده هم در بودجه پیدا نخواهد

شد و البته بعد از تصویب مجلس از طرف دولت صورتش

بمجلس پیشنهاد خواهد شد و تغییریکه در عوائد دولت

میدهد در آنجا معین خواهد شد و بتصویب مجلس میرسد

در هر صورت تأثیر مهمی در بودجه ندارد

رئیس - آقای نظامی

نظامی - موافقم

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - بدیهی است کسی با حذف این قبیل

عوارض مخالف نیست که يك قسم از صادرات مملکت از

پرداخت مالیات معاف باشد لیکن بنده خواستم این قسمت

را تذکر بدیم که وقتی مجلس شورای ملی در دوره قبل

مالیات باج راه و نواقل را لغو کرد و بجای آن مالیات

سرحدی برقرار نمود اینقانون بطور عجله گذشت و از

این قبیل اقلام در آنمالیاتها خیلی زیاد است که باید حتماً

لغو شود و انحصار بکچ و آهک و ساروج ندارد خیلی چیزهای

دیگر هم هست که جزو صادرات مملکتی است و در سرحد

مالیات از آنها مطالبه میشود که حقیقتاً بقدر آنمالیات

هم ارزش ندارد خواستم این را تذکر بدیم و از اعضاء

محترم کمیسیون قوانین مالیه سؤال کنم که آیا دولت در تعقیب این لایحه که آورده است سایر مواد را هم پیشنهاد خواهد کرد بانه و آیامذاکرات راجع بسایر مواد

صادر هم شده است یا همین این موضوع فقط است؟ همین را خواستم سؤال کنم و تذکر بدیم و الا بنده با الغائش کاملاً موافقم

فهیمی (مخبر) - همین نظر در کمیسیون قوانین

مالیه هم پیش آمد که يك مقدار زیادی از اتمعه داخلی

هست که بواسطه مالیات سرحدی تجارت و حمل آنها

ببجارج رو به نکس گذاشته است لیکن ما دیدیم که اگر

معطل آوردن صورت کامل آنها بشویم این یکی هم مدت

مدیدی در حال وقفه خواهد ماند باینجهه کمیسیون با توافق

نظر دولت اینطور در نظر گرفتند که این موضوع را فعلاً

از تصویب مجلس شورای ملی بگذرانند تا صورت کلی آن

اتمعه که در اثر نحمیل مالیات راه در قیمتش نکس

حاصل شده است آنها هم مالیاتش لغو شود.

رئیس - آقای محمدولی میرزا

محمدولی میرزا - عرض میکنم يك قسمت از عرایض

بنده را آقای حائری زاده بیان فرمودند لیکن بنده خواستم

توجه مجلس شورای ملی را معطوف بدارم باینکه در هیچ

مملکتی معمول نیست که بر صادرات آن نحمیلی بشود

بلکه بر عکس باید تشویق بشود تا حتی الامکان صادرات

مملکت زیاد بتواند از مملکت خارج شود در موقع الغاء

مالیات باج راه يك قسمت از صادرات مهم مملکت طوری

برش نحمیل شده که آن صادرات دیگر مورد صدور پیدا

نمیکند و يك ضرر عمده بصادرات مملکت و باقتصادیات

مملکت زده است و بنده مخصوصاً متعجب هستم که

چه اهمیتی کچ و ساروج و آهک در حدود جنوب پیدا

کرده است بنده که اطلاعی ندارم که فوری يك لایحه

برایش تهیه شده و آمده است بمجلس برای اینکه يك

جزء خیلی ضعیف از صادرات ما معاف باشد در صورتیکه

قالی آذربایجان و سایر نقاط دیگر مملکت که در سال

کرورها صادر میشود و کرورها ثروت وارد مملکت می کند هیچ طرف توجه نیست همینطور خشکه بارونك

طرف اعتنا قرار داده نمیشود خیلی چیزهای دیگر هم از این قبیل هست. يك معادن نمکی در آذربایجان در حدود سرحد هست که اینها همیشه يك قسمت از نمك قفقازیه را تامین میکرد و بمناسبت این قبیل نحمیلات و نحمیلات دیگری که هیچ قانونیت ندارد و يك چیزهای دیگری که مالیه آنها را ایجاد کرده است امروز بهیچوجه این صادرات موضوع ندارد و خارج نمیشود و خریدار و مشتری ندارد ما باید کاری بکنیم که خریدار و مشتری را از خارج جلب کنیم نه اینکه يك رویه ای اتخاذ کنیم و بکلی بانی اعتنائی باین قبیل مسائل نظر نکنیم مثل اینکه ما محتاج نیستیم از خریدارانی هم که از خارج می آیند در سرحد يك باجی هم باید از آنها بگیریم. این است که بنده بکلی با این لایحه مخالف هستم برای اینکه این لایحه يك چیزی نیست که قابل باشد و توجه مجلس شورای ملی را بخودش معطوف کند اگر هم بنا بشود در این قسمت اقدامی نمایند همینطور که عرض کردم بترتیب الاهم فالاهم اول فرش و قالی را باید معاف کنند که یکی از صادرات مهم مملکت است بعد بکچ و ساروج و آهک هم میرسیم.

مخبر - مطلب همان بود که عرض کردم در موقعی که در مجلس پنجم اینقانون وضع میشد میبایستی تمام این ملاحظات بعمل بیاید ولی متأسفانه در آن موقع بطور کلی يك موادی وضع شده است مخصوصاً در یکی از موادش يك مالیاتی برای کلیه اشیائی که در قانون اسم برده نشده معین شده است و ملاحظه این نشده است که ممکن است ضمناً این مالیات يك اتمعه ای را شامل بشود که نحمیل این قبیل عوارض بر آنها خیلی سنگین باشد. حالا این قسمت را متدرجاً حس کرده اند و فعلاً کچ و ساروج و آهک را پیشنهاد کرده اند. چون يك طبقه از عمالجات و اشخاص بی بضاعت متصل اینها را بسرحد حمل میکنند و راه گذران آنها همین است باینجهت این قسمت را پیش انداخته اند ولی مانعی نخواهد بود که قسمت های دیگر را هم بعد دولت بیاورد. حالا خوبست بگذسته را عجله راحت کنیم بعد

بنا بر قسمت ها هم میسریم و البته آن قسمت های دیگری را که راجع بقالی و فرش شاهزاده فرمودند آنها هم اهمیت دارد. لکن تحمیلات بر اشیاء بر قیمت بقدر تحمیل این مالیات بر اشیاء کم قیمت و این اشخاص بی بضاعت مؤثر نخواهد بود و البته آنها هم بموقع خود پیشنهاد خواهد شد و بویه آنها هم خواهد رسید.

رئیس - آقای بامداد.

بامداد - بنده موافقم.

رئیس - آقای افشار.

افشار - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم. رئاس را هم علاوه نمایند.

رئیس - بکمیسسیون ارجاع میشود. رای گرفته میشود

بشور ثانی این خبر آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. با پیشنهاد آقای وزیر معارف

مخالفت نیست که خبر کمیسیون بودجه جزو دستور امروز شود؟

بعضی از نمایندگان - خیر؟

آقا سید یعقوب - حالا این خبر مطرح است؟

رئیس - خیر. فقط جزو دستور شده است. دستور

قبلاً معین شده این هم حالا اضافه شد. عجزاً خبر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی مطرح است. ماده بیست و دوم

(شرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۲ - حق شکایت از انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن را دارا و در محل انتخاب میباشند و بشکایت هائیکه هويت صاحبان آنها بتصديق ادارات

مربوطه محلی نرسیده باشد ترتیب اثر داده نمیشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب راجع باینماده اجازه خواسته بودید؟

آقا سید یعقوب - بلی. اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - این ماده در قانون انتخابات مجلس

شورای ملی هم هست و بنده جدا مخالف این ماده هستم. برای اینکه ما باید تمام افراد مملکت را متوجه کنیم ب حفظ قانون. اگر يك کسی سنش پانزده سال باشد و نتواند در انتخابات مداخله نماید لکن بداند که فلانجا خلاف قانون شده است آیا حق ندارد شکایت بکند؟ قانون برای تمام مملکت است و تمام افراد باید حافظ قانون باشند این است که حالا ما بیائیم حق شکایت کردن را فقط بکسی بدهیم که حق انتخاب کردن داشته باشد بنده مخالفم مگر این قانون برای تمام مملکت نیست؟ ما باید نظرم ان بشارع مقدس اسلام باشد که میفرماید کنتم خیرا امته تمام باید حافظ و ناظر قانون باشیم. هر کس هر جا که دید برخلاف قانون عمل شده مطابق جریان قانونی باید شکایت خودش را بکند ولی اینجا مخصوصاً نوشته است کسانی که غیر از انتخاب کنندگان شکایت کنند نباید باو اعتناء کنند. چرا؟ اگر يك کسی شاه در طهران نبود و آمد در این بین دید که فلانجا برخلاف قانون رفتار شده میآید و يك عریضه مینویسد و بانجمن میدهد و آن ماده که بر خلافش عمل شده است تذکر میدهد. حالا شما میفرمائید این شخص حق شکایت ندارد چون امروز آمده و شاه در اینجا بوده است؟ حقیقتاً چیز عجیبی است بنده اساساً با این ماده مخالفم و عرض میکنم این ماده باید از قانون برداشته شود. اگر ما موفق نشدیم این اصلاح را در قانون انتخابات مجلس شورای ملی بکنیم در اینجا مخالف هستم این ماده باشد. برای اینکه هر شخصی این حق را باید داشته باشد که وقتی دید قانون اجراء نشده است شکایت

کند و باید پذیرفته هم بشود و هر کله و شخصی این حق را باید داشته باشد. يك پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم کردم.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده تصور میکنم این يك امر طبیعی است که کسی حق دارد شکایت کند که حق داشته باشد از يك حق استفاده کند ولی وقتی کسی صالح نباشد از يك حق استفاده کند بطریق اولی صالح نیست که شکایت از عدم اجرای آن حق بکند. کسی که در موقع اجرای انتخابات در محلی نبوده است چه اطلاعی دارد از اینکه جریان آن صحیح بوده یا سقیم! این یکی. دیگر اینکه يك رویه هم هست که بوسیله قوانین ما باید افراد مردم را تربیت کنیم. مثلاً معمول شده است يك دسته در موقع جریان انتخابات قهر میکنند. و استفاده از حق خودشان نمیکند رای هم نمی آیند بدهند. آنوقت شکایت میکنند. این يك کار خیلی بدی است. باید بیابند مبارزه کنند. جنک هم بکنند. اگر هم سوء جریانی هست شکایت بکنند. ولی ما اگر بخواهیم حق بدهیم بيك کسی که دخالت در يك امری نمیکند شکایت از آن عمل بکند این اصول قهر را بیشتر بعقیده بنده باقی گذارده ایم و صلاح هم نیست برای مملکت و برای کسانی هم که قهر میکنند خوب نیست و باید همه در انتخابات شرکت کنند و در حدود قانون شکایت هم بکنند و تصور میکنم ماده هم خیلی خوب باشد.

رئیس - آقای نظامی

میرزا یدالله خان نظامی - بنده گمان میکنم این جمله که: هويت صاحبان آنها بتصديق ادارات مربوطه محل نرسیده باشد. اسباب زحمت برای مردم خواهد شد پیشنهادی هم در اینخصوص نوشته ام که بمقام ریاست تقدیم میکنم و فقط جمله (هويت صاحبان آنها معلوم نباشد) کافی است چون بسا هست که يك مطالبی داشته باشند و بخواهند اظهار کنند که باید بمطالب و عرایض آنها رسیدگی شود

بنا بر این گمان میکنم با این ترتیب که در ماده نوشته شده مردم بحق قانونی خودشان نخواهند رسید.

ضیاء مخبر کمیسیون - بنده تصور میکنم بایستی خورد خورد همانطور که آقای شیروانی تذکر دادند عامه را بحق خودشان تذکر داد و جریان را مرتب کرد و طوری کرد اموریکه بایستی در جامعه طرف توجه و اقبال عامه شود این امور متداول شود و مردم باید رو بهمرفته در يك شهر معروف باشند و ادارات مربوطه از قبیل اداره سجل احوال، کمیساریا، نظمی و شعب این ادارات میبایستی آنطوریکه باید در شناختن و معرفت مردم دقیق بشوند و مردم هم باید بهر وسیله که هست خودشان را از کم نامی خارج کنند و در انتخابات بلدی افراد و مردمانیکه میخواهند شرکت کنند بایستی معروف باشند و ورقه هويت داشته باشند و در محل اغلب آنها را بشناسند. پس از این نقطه نظرها معرفت آنها لازم است. از طرف دیگر حق شکایت هم باید آشنائی داشته باشند که در انتخابات شرکت میکنند و اشخاصی هم که حق مداخله در انتخابات را دارند باید معروف بوده و ادارات مربوط آنها را بشناسند و ورقه هويت داشته باشند و باین وسیله ممکن است تمام مردم آشنا بشوند بمعرفی و هويت خودشان و مامورین دولت هم باید بیشتر دقیق بشوند در شناختن مردم و وظایف قانونی خودشان را کاملاً اجرا نمایند

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای میر ممتاز:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۲ بعد از محل انتخاب علاوه شود. متوطن و متوقف باشد بعلاوه تبصره ذیل اضافه شود:

تبصره - متشکبان از انتخابات اگر از حکم هیئت نظار راضی و قانع نشدند میتوانند پس از افتتاح انجمن

بلدی شکایت خودشان را در ظرف هفته اول بانجمن بلديه اظهار نمایند و حکم انجمن بلدی قاطع خواهد بود  
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم ماده

۲۲ حذف شود

پیشنهاد آقای معظمی - بنده پیشنهاد می کنم ماده  
۲۲ حذف شود

پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا - اصلاح ذیل رادر  
ماده ۲۲ پیشنهاد میدارد: که هویت صاحبان آنها  
بتصدیق صالحیه یا کمیساریای محل رسیده باشد.

پیشنهاد آقای نابت - پیشنهاد میبایم بجای (بتصدیق  
ادارات مربوطه) نوشته شود بتصدیق نظمی و یا کمیسری  
محلی الی آخر ماده ۲۲

پیشنهاد آقای میرزا یدالله خان - بنده پیشنهاد میکنم  
ماده ۲۲ بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۲۲ - حق شکایت از انتخابات را اشخاصی دارند که  
حق انتخاب کردن را دارا باشند و بشکایتی که هویت  
صاحبان آنها معلوم نباشد ترتیب آر داده نمی شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری - پیشنهاد میکنم جزو  
اخیر ماده ۲۳ اینطور اصلاح شود:

اعتبار نامه در محل بامضاء حاکم یا قائم مقام او خواهد بود  
رئیس - این پیشنهاد راجع بماده ۲۳ بود. پیشنهادات

بکمیسیون ارجاع میشود. ماده ۲۳. (بشرح ذیل قرائت شد)  
ماده ۲۳ - هیئت نظار پس از ختم رسیدگی بشکایات

باشخاصی که انتخاب شده اند مراجعه و در صورت  
قبول وکالت بآنها اعتبار نامه میدهند. اعتبار نامه در  
طهران بامضاء وزارت داخله و در ولایات بامضاء حاکم  
یا قائم مقام او خواهد بود.

رئیس - آقای امیر حسین خان

امیر حسینخان - بنده باین قسمت از این ماده مخالفم  
که میگوید: در طهران بامضای وزارت داخله و در ولایات  
بامضای حاکم خواهد رسید. بنده نمیدانم طهران

باولایات در حدود قانون چه فرق دارد؟ طهران هم حاکم  
دارد و باید نوشته شود که در طهران بامضای حکومت  
طهران خواهد رسید و در ولایات هم بامضای حاکم محل.

مخبر - فرق نمیکند. نظر کمیسیون فقط این بوده  
است که در طهران بیشتر اهمیت بدهد با انتخابات بلدی و  
جریانی که این امر دارد. کمیسیون نظر کرد و دید چون  
وزارت داخله در این کار دخالت دارد قائل شد که  
اعتبار نامه اعضای انجمن بلدی بامضای وزارت داخله برسد

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - يك قسمت از نظریات بنده را کمیسیون  
و وزارت داخله معلوم نکرده و آن مسئله استنکاف وکیل  
بلدیه است از قبول وکالت یا اینکه اگر بلا تکلیف بگذارند  
چه میشود؟

بنده خیلی میل دارم که آقای مخبر در این موضوع يك  
توضیحانی بدهند که اگر يك وکیل قبولی یا استعفای  
خودش را نگفت و همینطور بلا تکلیف گذارد آنوقت تکلیف  
يك انجمنی که عده اش هم کم است چه میشود؟ بنده خواستم  
این قسمت را تذکر بدهم که از استنکاف وکلای بلدی جلوگیری  
کرده اند یا نه؟

مخبر - متذکر بوده ایم و این قسمت هم کاملاً پیش بینی  
شده است و در ضمن ماده ۲۴ تکلیفش معلوم شده که  
میگوید: هرگاه یکی از انتخاب شدگان از قبول وکالت  
استنکاف یا بعد از قبول فوت و یا استعفاء کند آن کسی  
که بعد از او حائز اکثریت است بسمت نمایندگی بجای  
او معین خواهد شد و بمقیده بنده منظور نماینده محترم  
تأمین شده.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده عرض همان بود که آقای امیر حسینخان

گفتند و دفاع آقای مخبر هم بنده را قانع نکرد. پیشنهادی  
هم تقدیم کرده ام.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

پیشنهاد می کنم جزء اخیر ماده ۲۳ این طور  
اصلاح شود:

اعتبار نامه در هر محل بامضای حاکم یا قائم مقام او  
خواهد بود.

رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا:

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۳ عوض (بامضای وزارت  
داخله) حکومت طهران باشد.

رئیس - پیشنهاد آقای عدل:

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۳ عبارت (بامضاء وزارت  
داخله) حذف شود

رئیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود:

ماده ۲۴ - هرگاه یکی از انتخاب شدگان از قبول  
وکالت استنکاف یا بعد از قبول فوت و یا استعفاء کند آن  
کس که بعد از او حائز اکثریت است به جای او وکیل  
خواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا چون در مقام عمل  
راجع به هیئت منصفه ملتفت این نکته شدیم. اینجا يك ماده

دارد که اعضاء انجمن بلدی باید مجازاً خدمت کنند.  
چون عادت ما ایرانیها بر این است که در هرکاری اول  
يك شوری داریم ولی بعد کم کم سست میشویم. در اینجا

حق استعفا برای وکلای بلدی قائل شده ایم یعنی ممکن  
است انجمن را تشکیل بدهیم و بعد استعفا بدهند بنده  
برای خاطر محفوظ ماندن این نظریه پیشنهاد کرده ام  
که اگر احتیاطاً بکنفر از وکلای بلدی فوت کرد یا استعفا

داد آن شخص که بعد از او حائز اکثریت است و بجای  
او برقرار خواهد شد در تمام دوره همینطور باشد که  
همین که کسی استعفا داد آنکسی که بعد از او اکثریت دارد  
بجایش منصوب شود. برای خاطر اینکه انجمن از اکثریت  
نیفتد و الا بکوقت ممکن است يك ترتیبی پیش بیاید که  
انجمن از اکثریت بیفتد و بکلی انجمن بلدی از بین برود  
لذا بنده برای جلوگیری از این مسئله و تأیید نظریه  
خود يك پیشنهادی در این باب عرض کرده ام

مخبر - بنده تصور میکنم نظر آقای آقا سید یعقوب  
هم در ضمن ماده ۲۵ کاملاً تأمین شده زیرا در ضمن  
آن ماده میگوید: منتخبین باید بعد از اخطار هیئت نظار  
در ظرف بیک هفته رد یا قبول وکالت را کتباً اطلاع دهند  
و هرگاه در موعد مقرر اطلاع ندهند در حکم مستنکف  
بوده و مطابق ماده ۲۴ رفتار خواهد شد

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای  
میر ممتاز:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۴ بعد از فوت و استعفا  
علاوه شود (یا بعلمی که در مواد ۲۵ و ۲۸ و ۲۹ قید  
شده منفصل و خارج شود الی آخر)

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای میر ممتاز:

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۲۴ علاوه شود.  
تبصره - عضو جدید برای مدتی وکالت خواهد داشت  
که از دوره قانونی عضو سابق باقی مانده باشد.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

تبصره ذیل را بماده ۲۴ پیشنهاد میکنم:  
تبصره - چنانچه بکنفر بایش از بکنفر از وکلای

میر ممتاز:

بلدی پس از اشتغال در تمام دوره انتخابیه استعفا دهند کسی که بعد از مستعفی حائز اکثریت است بجای مستعفی وکیل خواهد بود.

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت

( باین نحو خوانده شد )

پیشنهاد می‌نماید در ماده ۲۴ بجای (استنکاف) (امتناع) نوشته شود

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت میشود.

( بشرح آتی خوانده شد )

ماده ۲۵ - منتخبین باید بعد از اخطار هیئت نظار در ظرف یک هفته رد یا قبول وکالت را کتباً به هیئت نظار اعلام دارند و هرگاه در موعد مقرر اطلاع ندهند در حکم مستنکف بوده و مطابق ماده ۲۴ رفتار خواهد شد.

رئیس - آقای میرممتاز

میرممتاز - مخالفت بنده باین ماده از نظر این است که اگر يك منتخبی در شهر نبود یا بخارج مملکت مسافرت کرده بود که در مدت یک هفته نتوانست رد یا قبول خودش را بانجمن نظار اطلاع دهد نباید از حق ملی خودش محروم باشد.

مخبر - در این قسمت در کمیسیون همانطوریکه خاطر محترم آقای میرممتاز متوجه است مذاکرات زیاد شد و يك قسمتهائی هم بعنوان مثل ذکر شد مثلاً در يك جائی که هشت یاده نفر عضو انجمن نظار هستند اگر امر دائر شود که انجمن نظار بواسطه غیبت يك یا چند نفر عضو نتوانست بوظایف قانونی خودش عمل نماید شاید دوچار اشکال بشود. لذا برای پیشرفت کار و برای اینکه انجمن بلدی با دقت کامل و با کمال مواظبت بتواند امور خودش را از پیش برد کمیسیون اینطور در نظر گرفت.

( شاید در آن جلسه آقای میرممتاز حضور نداشتند ) و باین جهت در ضمن این ماده و مواد بعد تصریح و تاکید شده است که اگر يك عضوی بعد از یک هفته حاضر نشود و رد یا

قبولش را معین نکرد تکلیف چیست بالاخره نظر کمیسیون و نماینده وزارت داخله در این قسمت این شد که باید بطوری باشد که تمام اعضاء حاضر باشند و امور بلدی که يك امر مهم ملی است بادقت تمام اعضاء از پیش برود.

رئیس - آقای حائری زاده.

حائری زاده - موافقم.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض بنده را آقای میرممتاز عرض کردند.

پیشنهادی هم در این باب تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده باین ماده موافق بودم لکن با توضیحاتیکه آقای مخبر فرمودند مخالف شدم. زیرا تصور میکردم برای عملی شدن این ماده یعنی مناط اعتبار در استعفای کتبی از روز صدور اعلام انجمن است تا يك هفته زیرا وصول بانجمن مناط اعتبار نخواهد بود البته آن وکیل حتماً باید اعلام کند که من عضویت را قبول دارم یا نه ولی چنانچه عرض شد وصول بانجمن شرط نیست. ولی حالا آقای مخبر اظهار کردند که مناط اعتبار وصول بانجمن است. در این صورت اگر منتخبی در یکجائی است و در مدت يك هفته نتوانست بیاید و با استعفای خودش را اعلام کند انتخاب او لغو شمرده خواهد شد و بنده با این ترتیب مخالفم زیرا هیچ دلیلی ندارد يك کسی که مردم باو اعتماد دارند و او را انتخاب کرده اند فقط بواسطه اینکه بيك محلی رفته که با محل انجمن فاصله زیاد دارد از حق خودش محروم شود. باین جهت بنده مخالفم.

مخبر - بنده تصور میکنم در این قسمت ماده صراحت خاصی دارد اگر فرضاً عرایض بنده قاصر بوده است ولی خیال میکنم ماده کاملاً صراحت دارد. ماده این است. میگوید: در ظرف یک هفته رد یا قبول وکالت را باید به هیئت نظار

اعلام دارند بدیهی است آن موقعی که ورقه اعلامیه منتخب به هیئت نظار میرسد مناط است. در این صورت ماده صراحت نام دارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای افشار - پیشنهاد میکنم ماده ۲۵ بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۲۵ - منتخبین باستثنای اشخاصی که از محل انتخاب غائب هستند باید بعد از اخطار هیئت نظار در ظرف يك هفته رد یا قبول وکالت را کتباً به هیئت نظار اعلام دارند و هرگاه در موعد مقرر اطلاع ندهند در حکم مستنکف بوده و مطابق ماده ۲۴ با آنها رفتار خواهد شد. ولی در موضوع اشخاص غائب از محل بمناسب قرب و بعد از یکماه تا دو ماه مهلت داده خواهد شد پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۵ بعد از عبارت در ظرف يك هفته اضافه شود: (از تاریخ وصول اخطار انجمن)

پیشنهاد آقای عدل: پیشنهاد میکنم در ماده ۲۵ پس از عبارت رد یا قبول وکالت را بین اهلالین علاوه شود: (در صورتیکه در محل حاضر باشند) نوشته شود.

پیشنهاد آقای میرممتاز: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۵ ماده بعد از اخطار هیئت نظار علاوه شود: (در صورت توقف شهر در ظرف یک هفته و در صورت مسافرت بخارج در ظرف دو هفته) و بعد از هیئت نظار علاوه شود: یا حکومت کتباً و تلگرافاً اعلام الی آخر

رئیس - ماده بیست و ششم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۶ - هیئت نظار پس از دادن اعتبار نامه کلیه اسناد راجعه بانتخابات را بانجمن بلدی تسلیم نموده و منحل میشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقای معاون محترم وزارت داخله و آقای مخبر سؤال کنم که فایده این ماده چیست؟ بعلمت اینکه رای انجمن بلدی نسبت بانتخابات این منتخبین که مؤثر نیست این ترتیب شاید برای مردم اسباب زحمت شود. غرض بنده این است هرچه در قوانین سهولت باشد بهتر است و برای سرعت کار هم خوب است حالا دو مرتبه کتابچه را به پیچند و ببرند بانجمن بلدی این اسباب زحمت خواهد بود. اگر ما گفته بودیم که اعتبار نامه باید در انجمن بلدی مطرح شود و بالاخره برای انجمن حکم نقض یا ابرام قائل میشدیم. این ماده يك فایده داشت ولی ما این حق را بانجمن که نداده ایم. در این صورت گمان نمیکم این ماده فایده داشته باشد.

معاون وزارت داخله - عرض میکنم مقصود این است که این اوراق و اسناد در یکجائی محفوظ و مصون باشد و چون این اوراق و دفاتر راجع بانتخابات بلدی است قرارداد شده است تحویل انجمن شود که در آنجا محفوظ بماند و البته مقصود دیگری نیست.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده بیست و هفت قرائت میشود.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۲۷ - انتخاباتیکه مبنی بر نهدید و تطمیع و بر خلاف مقررات قانون بعمل آمده باشد از درجه اعتبار ساقط و امر بتجدید خواهد شد.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - این ماده ۲۷ مینویسد (انتخاباتی که مبنی بر نهدید یا تطمیع باشد از درجه اعتبار ساقط است) بنده خواستم بدانم ممیز و مشخص این مسئله کی است؟ انجمن خودش که نمیتواند برسد. پس وزارت داخله یا حکومت یا کی باید مشخص این مطلب باشد و این مسئله را معین نماید.

معاون وزارت داخله - بدیهی است هیئت نظار باید

این تشخیص را بدهند در ضمن نظارتیکه در کلیه امور انتخابات دارد این تشخیص را هم خواهد داد. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهادات آقای احتشام زاده.

مضمون ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۷ بعد از جمله (از درجه اعتبار ساقط) نوشته شود: و مطابق رای انجمن امر تجدید خواهد شد.

رئیس - پیشنهاد آقای فرشی راجع ماده ۲۶ است ارجاع میشود بکمیسیون. ماده بیست و هشت.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۸ - هرگاه یکی از وکلای بلدی در دوره تصدی خدمت محکوم بجنحه یا جناحی بشود از عضویت انجمن منفصل خواهد گردید.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - ماده بیست و نه

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۹ - هر يك از وکلای بلدی که در پنج جلسه متوالی بدون عذر موجه غیبت کند انجمن حکم انفصال او را صادر مینماید.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آن نکته را که آقای روحی فرمودند تصور میکنم جایش در این ماده است پس از آنکه منتخب پنج جلسه از حضور مستنکف شد و حاضر نشد انجمن حکم انفصال او را صادر میکند بسیار خوب بعد چه میکند - تکلیفی برای بعد معین نکرده و بالاخره اگر تمام اعضاء انجمن دوازده نفر باشند که انتخاب شده اند اگر یکی یکی مستنکف شدند یعنی هفت نفرشان استنکاف کردند و انجمن

مخبر - بسیار خوب. پیشنهاد کنید در کمیسیون مطالعه و مذاکره میشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای میر ممتاز

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ بعد از پنج جلسه متوالی جمله (معمولی و فوق العاده) اضافه شود

بقیه پیشنهادها نیز از طرف آقای رئیس اعلام

و بترتیب آتی قرائت شد

پیشنهاد آقای شبروانی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ آخر ماده اضافه شود: و کسی که بعد از منتخب آخری حائز اکثریت میباشد بجای او دعوت خواهد شد.

پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ بعد از جمله (در پنج جلسه متوالی) نوشته شود (با اطلاع وبدون عذر موجه) و در آخر جمله اضافه شود (و بجای عضو منفصل کسی که بعد از او حائز اکثریت بوده دعوت خواهد شد)

پیشنهاد آقای عمادی: بنده پیشنهاد میکنم که این ماده چون از شؤن نظامنامه داخلی انجمن است حذف شود پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب: پیشنهاد میکنم بعد از کلمه پنج جلسه متوالی بدون عذر اضافه شود (یا در شش ماه شش جلسه متناوب) الی آخر

رئیس - ماده سی ام (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۳۰ - وکالت انجمن بلدی مجانی و افتخاری است

رئیس - آقای میر ممتاز

میر ممتاز - بنده با این ماده کاملاً مخالفم اگر چه ممکن بود بنده نظریه خودم را بطور پیشنهاد تقدیم کنم ولی چون موضوع را خالی از اهمیت ندیدم نظر بحکم تجربه و عمل مقتضی دانستم قبل از شور دوم عقیده خودم را در مخالفت با این ماده مشروحاً بمرض آقایان برسانم. قانون

بلدیه در ۱۳۲۵ از مجلس گذشته و بعد از بیست سال مشروطیت امروز بمجلس آمده برای اینکه بعضی موادش که عملی نیست و قابل اجرا نبود یا تولید اشکال میکرد تبدیل شود بیک مواد بهتر و عملی تر. بطوریکه خاطر محترم آقایان مسبوق است ایفاء حوائج عمومی و فراهم نمودن وسایل آسایش اهالی منوط بحسن جریان اداره بلدیه است و حسن جریان اداره بلدیه منوط بداشتن انجمن بلدیه است که این انجمن بلدی مطابق مقررات قانون وظایف خودش را کاملاً انجام بدهد و اگر چنانچه انجمن بلدی در اجرای وظیفه خودش اهمال و مسامحه کرد قهراً در امور اداره بلدیه يك اختلالی پیدا میشود و وقتی امور اداره بلدیه مختل شد عدم رضایت اهالی را ایجاد میکند و قهراً این تنفر و ازجار مردم متوجه میشود بیک اداره قانونی و يك مؤسسه ملی و در ضمن مواد قانون بلدیه چند ماده است که اس اساس و ریشه و پایه مواد دیگر است که اگر آن مواد عملی و اصلاح شد باقی مواد بالطبع اجرا میشود که یکی از آنها هم همین ماده سی است که میگوید وکالت انجمن بلدی مجانی و افتخاری است بعقیده بنده آنوقت که این ماده قانون که عین ماده قانون قبل است از مجلس گذشته وکلای مجلس نمایندگان پارلمان هم اقتضاراً وظیفه ملی خودشانرا انجام میدادند و امروز وقتی که ما با گرفتن ماهی دو بیست تومان مقرری ضمناً هم ناراضی هستیم (یعنی برای امثال بنده - بنده عقیده خودم را میگویم) و میگویم حقوق وکیل مجلس کمتر از حقوق يك مدیر اداره است و با وضعیت امروزه کافی نیست پس ما که نسبت بحال خودمان این عقیده را داریم چگونه میتوانیم قائل شویم باینکه وکالت انجمن بلدی با آن وظائفی که دارد مجانی و بلاعوض باشد و بطوریکه در این قانون مشاهده و ملاحظه میشود بعقیده بنده اگر انجمن بلدی یا شعبات و کمیسیونهای منتخبه از آن بخواهند وظائف مقرر قانونی خودشانرا انجام بدهند وقت زیاد لازم دارد اینطور نیست که در يك ماده مینویسد بنده در کمیسیون تعقیب کردم که ماهی سه جلسه شد

والا ماهی يك جلسه قرار شده بود. بنده هر چه فكر ميكم با وضعیت این مملکت و فقر و فلاکت عمومی که هر کس در هر طبقه ای که هست نسبت بحال خودش مبتلا و گرفتار است همچو اشخاصی را سراغ ندارم که بیابند و مجاناً اوقات خودشانرا مصروف بکارهای بلديه بکنند و از کسب و کار و زندگانی خودشان دست بکشند و اگر در هر محلی هم يك همچو اشخاص پیدا شود که نسبت بقانون بلدی و راجع با اجرای وظیفه یا خدمت بجامعه يك احساسات سرشاری داشته باشند عده این اشخاص نسبت باعضاء انجمن بلدی خیلی قلیل خواهد بود و فرضاً هم که بخواهند این احساسات خودشانرا عملی نمایند بکسال و دو سال و سه سال و چهار سال نیست مثلاً ممکن است يك مدتی بکماه دو ماه سه ماه اقدام و جدیت کنند و بعد رفته رفته سرد شوند یا خارج شوند یا بیابند و مستعفی شوند پس اگر چنانچه ما مایل باشیم و بعقیده بنده اگر بخواهیم در بعضی نقاط دارای انجمن بلدی و اداره قانونی باشیم و مردم از طریق این مؤسسه ملی راجع بامور زندگانی و اجتماعی خودشان بعد از بیست سال دوره مشروطیت استفاده کنند باید اعضاء انجمن بلدی را قائل شویم که دارای حقوق باشند. بعلاوه نداشتن حقوق يك عیب دیگری هم دارد و آن منظم نشدن ترتیبات داخلی انجمن است. زیرا وقتی درست ملاحظه کنیم. بنده خودم را عرض میکنم که در هر وقت که حاضر میشوم یا از اخطار در قید صورت مجلس آقای رئیس رعایت میکنم با وقتی که میخواهم نیمساعت غیبت کنم شرحی عریضه نوشته و اجازه مرخصی میخواهم و اعضاء کمیسیون عریض و مرخصی را میبینم و خواهش میکنم تصویب کنید. این يك قسمتش از نقطه نظر موظف بودن است و اگر چنانچه اعضاء انجمن بلدی حقوق نداشته باشند و موظف نباشند و در تحت يك نظامانی مقید نباشند بقینا در اوقات خودشان مرتباً حاضر نمی شوند و نظامات انجمن رعایت نمیشود. پس به عقیده بنده برای اینکه مردم نقاط خارج

ایالات و ولایات (که بنده از آنجاها اطلاعاتی دارم) از این اشکالات و زحمانی که متوجه آنهاست در اثر حسن جریان امور بلديه مستخلص شوند باید وکلای بلدی دارای حقوق باشند این بود که خواستم خاطر آقایان را قبلاً متوجه کنم که اگر چنانچه مقتضی و صلاح بدانند و علاقمندند این قسمت را کاملاً تعقیب کنند و پیشنهاداتی در این زمینه داده شود.

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده خیلی متأسفم که باید با رفیق محترم خودم در سر این موضوع مخالف باشم. اصلاً مجلس شورای ملی کمک خرجی که بوکلاء میدهد برای این است که از صد فرسخ دو بیست فرسخ حرکت میکنند میانند طهران. دوره اول هم که حقوق نداشتند برای این بوده است که همه طهرانی بوده اند و در خانه خودشان بوده اند از راه دور که باین شهر می آیند برای زندگانی در مرکز يك کمک خرجی بآنها داده میشود. انجمن بلدی که میخواهد شهر خودش را پاک و تمیز نگاه بدارد ماهی یکدفعه حاضر میشود و آن اداره که مأمور این کار است نظریه خودش را با اعضاء انجمن میکوبد و انجمن اگر موافق مصالح شهر دانست قبول میکند و الا رد میکند از خانه خودشان ماهی یکدفعه ده قدم را پاشوند و بروند برای ترتیب و نظم خانه خودشان کان میکنم لازم بحقوق نیست. بلی اگر يك بودجه مفصلی بلديه های ما داشت میکفتیم که حق القدمی هم برای وکلای بلدی بدهند که تشریف بیاورند به اداره بلديه و به ترتیبات خانه خودشان سرکشی کنند و به بینند منظم است یا نیست ما نقاطی داریم که ماهی صد تومان صد پنجاه تومان دو بیست تومان بودجه بلديه آنجا است. این را چراغ بکشند؟ سپور بگیرند؟ آب پاشی بکنند؟ پول کاغذ و دفنرش باشد؟ پول اعضاء انجمنش باشد؟ چه باشد؟ این است که بنده معتقدم اگر يك روزگاری وسعتی در کارهای مملکتی پیدا

شد و اوقات تمام افراد مملکت ساعتش قیمت زیادی پیدا کرد ما آن دو ساعتی را هم که وکلای بلدی تشریف میآورند برای خانه خودشان کار کنند يك مبلغی حق القدم برایشان قرار میگذازم ولی نه حالا.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - بقیه مذاکرات موکول میشود به بعد از تنفس (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس - آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه - خاطر محترم آقایان مسبوق است که آمدن بودجه های هر سال و گذشتن آن در اواخر آن سال در مجلس شورای ملی اسباب زحمت هم برای مجلس شورای ملی و هم برای دولت بوده و هم اسباب تضییع وقت است. باین واسطه امسال همچو در نظر گرفتند که این محظور رفع شود و با توافق نظر آقای رئیس و هیئت محترم کمیسیون بودجه که دولت هم در کمیسیون حاضر شدند مذاکرانی در این باب کردند و اینطور قرار شد که این بودجه که در هزار و سیصد و چهار بتصویب مجلس رسیده است اساس بودجه قرار داده شود و برای ازدیادی (یعنی لوازم نه مخارج متفرقه دیگر) که شاید در هزار و سیصد و شش باید بمصرف رسد یعنی غیر از آنها مخارج لازمه که در این سه چهار ماهه برای بودجه ۱۳۰۵ لازم است آن را در تحت يك لایحه بعنوان چهار دوازدهم سال تقدیم مجلس شورای ملی کنیم که در واقع بودجه ۱۳۰۵ باین ترتیب انجام بگیرد و این بودجه ۱۳۰۵ که در مجلس شورای ملی است برای ۱۳۰۶ از لحاظ کمیسیون بگذرد و به مجلس عرض شود در ضمن بعضی لوازم که خیلی برای سنه ۱۳۰۶ محتاج الیه است آنها در ضمن لایحه تقدیم مجلس شورای ملی میشود که بکمیسیون برود و باین ترتیب مامیتوانیم بودجه سنه آتیه را امسال گذرانده باشیم و پیش از ورود سال دارای يك بودجه قانونی باشیم که دیگر محتاج بزحمت مجلس راجع

يك دوازدهم و دو دوازدهم نباشیم و همچنین دولت هم تکلیف خودش را در اجرای بودجه خودش بداند. این است که استدعا میشود از مجلس شورای ملی که اجازه فرمایند همین بودجه ۱۳۰۵ را برای ۱۳۰۶ کمیسیون محترم بودجه تحت مطالعه بگیرد تا آن نواقصی که عرض کردم لایحه اش تهیه و بعرض مجلس برسد. يك فقره دیگر که میخواستم استدعا کنم راجع بمسئله گاو میری بود که البته آقایان محترم همه عارقه دارند که این کار جبران و جلوگیری شود که برای سال بعد زودتر اقدامی بشود. و يك لایحه باتفاق وزارت فواید عامه و وزارت مالیه ترتیب داده شده است که بعرض مجلس رسیده است و در آنجا استدعا شده است که يك تفاوت و علاوهائی بآن اعتباریکه وزارتخانه داشت اعطا شود. استدعا میشود آن لایحه جزء دستور گذارده شود که در جلسه آتیه از مجلس شورای ملی بگذرد برای اینکه وزارت مالیه دستور داده است که اگر ممکن است از اطراف گاوهای کاری بدست آورند و خریداری شود که بمصرف این کار برسد و برای زراعت آتیه بدرد بخورد که بيموقع اقدام نشده باشد. این بود که این استدعا را عرض کردم دو فقره لایحه هم هست که تقدیم مجلس میشود (تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - موضوع این دو لایحه را چون آقای وزیر مالیه اظهار نکردند بنده عوض ایشان بعرض میرسانم. یکی راجع است باضافه سی تومان شهریه درباره پسر آقای آقاشیخ محمد حسین بزدی - سی تومان سابق داشته است حالا هم سی تومان پیشنهاد شده است که شصت تومان بشود. لایحه دیگر راجع به برقراری سی و چهار تومان شهریه است راجع بورثه دکتر میناس بازیل معلم اسبق مدرسه دارالفنون هر دو بکمیسیون بودجه ارجاع میشود.

وزیر مالیه - برای جواب شاهزاده محمد ولی میرزا

هم حاضریم.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا



محمد ولی میرزا - عریضی که بنده در تحت سؤال دارم سابق بر این تذکراً حضور آقایان محترم عرضه داشته بودم و خاطر محترمشان مسبوق است موضوع سرعملی است که وزارت مالیه بر حسب متحد المآله و نظامنامه تدوین شده وزارتی راجع با اجرای قانون ممیزی میکند و چند فقره از مواد قانون ممیزی را که من جمله ماده ۱۵ باشد بیک صورت دیگری در عمل در آورده اند و در واقع معنی ماده ۱۵ را بطوریکه قانون گذار وضع کرده بکلی از بین برده اند. هر چند آراء قرائت کردم باز هم برای استحضار خاطر آقای وزیر محترم مالیه قرائت میکنم:

ماده پانزدهم - وزارت مالیه مکلف است پس از تصویب این قانون شروع به ممیزی نماید و پس از دو سال کلیه مالیاتهای املاک اربابی و دواب را در تمامی مملکت بر طبق مقررات این قانون مأخوذ دارد. عملی که وزارت مالیه امروز میکند بکلی صورت دیگری دارد. آن عمل چیست. وزارت مالیه قائل شده است که این قانون اجازه داده است وزارت مالیه تبعیض کند در ممیزی املاک. یعنی اگر دو ملک را ممیزی کردند و پس از ممیزی مالیات یکی از آن دو ملک کاسته شد و یکی دیگر اضافه شد وزارت مالیه خودش را مجاز میداند آن اضافه مالیات را مأخوذ بدارد ولی آن ملک که مالیاتش کسر شده است آنرا موقوف الاجرا بگذارد و مسکوت بگذارد. در صورتیکه قانون خیلی صراحت دارد و بنده نمیدانم بچه علت وزارت مالیه چنین تعبیر و تفسیری میکند؟ اگر هم در واقع ماده محتاج بچنین تعبیر و تفسیری باشد تعبیر و تفسیر مواد قانون از وظایف مجلس شورای ملی است نه از وظایف اداره مالیه و بنده مخصوصاً چنانچه در چندی قبل از این در یک موضوعی آقای شیروانی اینجا یک تذکری دادند که در وزارت فواید عامه بوده اند و یک مذاکرانی شده بود راجع بخرج سفر یکی از مأمورین وزارت فواید عامه در این جا هم اگر رجوع میشد بصورت مباحثات و مذاکرات جزوی که در کمیسیون قوانین مالیه و مخصوصاً در مجلس شورای ملی شده است معلوم میشد که بکلی این

عملی که وزارت مالیه میکند برخلاف مقررات ماده پانزدهم است. برای اینکه وزارت مالیه در نظر داشت یک چنین ماده بتصویب مجلس برسد ولی هم در کمیسیون قوانین مالیه و هم در مجلس شورای ملی با کثرت نام مخالفت کردند با این منظور و بجای آنچیزیکه وزارت مالیه در نظر داشت که امروز بعنوان نظامنامه اجرا میکنند همین ماده را که بنده عرض کردم وضع کردند.

وزیر مالیه - ماده پانزدهم را بطوریکه قرائت فرمودند همین طور است که اظهار داشتند ولی عمل وزارت مالیه اینطور که شاهزاده فرمودند نیست وزارت مالیه امسال قبل از ممیزی قرار داده است که هر ملکی را که میخواهند ممیزی کنند اول از صاحب آن ملک اقتضا میکند که عایدات خودش را ذکر کند. این عایدات را که بوزارت مالیه معرفی میکنند از دو قسم خارج نیست یا این است که مطابق آن مبلغی است که میگویند یا کمتر از آن است. اگر چنانچه کمتر باشد نازمان ممیزی آن مالیات قدیم را دریافت میکنند. نه این است که بعد از ممیزی آن مالیات زیاد شده را اگر یک جایی کمتر شده باشد بگیرند. خیر. اگر جایی ممیزی شد مطابق ممیزی دریافت میشود ولی اگر جایی قبل از ممیزی صورتی بدهند که آن صورت کمتر از حقیقت باشد مطابق مالیاتی که بیشتر میگرفتند باز هم میگیرند تا ممیزی بشود و بعد از ممیزی البته مطابق قانون ممیزی رفتار خواهد شد.

محمد ولی میرزا - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید

محمد ولی میرزا - متأسفانه آقای وزیر مالیه آنطوریکه باید بعرض بنده توجه فرمودند و گمان میکنم توضیحاتی که فرمودند اگر بنده را هم قانع کنند مجلس شورای ملی را قانع نکنند. امروز مخصوصاً بنده متحد المآلهائی را که صادر کرده اند تذکراً چند ماده اش را در همین جا قرائت کردم و الان هم پیش بنده حاضر است.

ماده سوم متحد المآل صادره از وزارت مالیه اینطور تصریح میکنند: هرگاه مالکی دولت داشته باشد و در نتیجه اجرای قانون جدید مالیات یکی اضافه و دیگری نقصان پیدا کند در این صورت لازم است جمع مالیات جدید آن دولت با مالیات قدیم تطبیق شده اگر جمع مالیات جدید نسبت بقدم زیاد یا مساوی درآید اداره مالیه مجاز خواهد بود بر طبق ماده ۱۳ رفتار نماید ولی اگر جمع مالیات جدید کمتر از مالیات جزو جمعی باشد مالیات قدیم هر دو ملک را باید مطالبه و وصول نمایند - این تصریح دارد و محتاج نبود باینکه آقای وزیر محترم مالیه بیاناتی در اینجا بفرمایند این نظامنامه ایست که اجرا میشود - بنده عرض نکردم که بامضای آقای وزیر مالیه رسیده است ولی حکمی است که از وزارت مالیه صادر شده است - و در نتیجه همین اجرائیات است که مردم شاکی هستند و البته اگر شکایت مردم راجع بقانون ممیزی تشریح و شکافته شود ملاحظه خواهد شد که بواسطه این قبیل احکام است نه بواسطه مژ خود قانون

وزیر مالیه - شاهزاده یک قدری بی لطفی فرمودند تصور کردند که بنده خواستم مجلس شورای ملی را اغفال کنم - خیر - همچو چیزی نیست - در خود نظامنامه ترتیبی را که مالیه برای اینکار اتخاذ میکند این است که اول اظهار نامه میخواهند - اظهار نامه هائی که از صاحبان ملک رسید اگر میزانی که در اظهار نامه معین شده با مالیات قدیم ملک موافق شد همان را بطوریکه عرض کردم میگیرند و اگر کمتر از میزان مالیات ملک باشد آن کسر را بطوریکه در ماده قانون هم تصریح دارد که نادر سال وزارت مالیه حق دارد که در این باب ناممیزی در تمام مملکت خاتمه نیافته و در همه جا اجرای قانون نشده بموقع اجرا بگذارد این است در آنجائیکه ممیزی نشده آن کمی را مطابق آن اظهار نامه خواهند گرفت نادر سال که در قانون تصویب شده است بگذرد و آنوقت مطابق قانون ممیزی رفتار شود و آنطوریکه شاهزاده میفرمایند نیست.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده عرضی نداشتم

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - بنده راجع بگاو میری که آقای وزیر فرمودند عرض داشتم - اجازه میفرمائید.

یعنی خواستم تشکر کنم از مهری که آقای وزیر مالیه و آقای دکتر میلسپو مبذول داشته اند و اقداماتی را که برای زراعت آتیه فرموده اند و در ضمن استدعا میکنم که هر چه زودتر این اقدامات را عملی کنند که زودتر نتیجه بدهد و مردم راحت شوند

رئیس - ماده ۳۱ خبر کمیسیون داخله قرائت می شود:

ماده ۳۱ - اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات بشرط ممنوعند ۱ - حکام و معاونین آنها ۲ - عمال نظمی و امنیه در محل مأموریت ۳ - تبعه خارجه ۴ - مأمورین نظام بری و بحری داخل در خدمت ۵ - اعضاء اداری و مستخدمین جزو بلدیة و اشخاصی که از مؤسسات خیریه بلدیة اعاشه می کنند.

رئیس - آقای سید یعقوب

آقای سید یعقوب - بنده در اینجا مطلبی که در نظر هست این است که در اینجا مدت انتخاب هیئت رئیسه را دو سال معین کرده است و بنده این مدت را زیاد میدانم و بنده پیشنهاد هم کرده ام مدت یکسال باشد و معلوم است باز هم انتخاب بدست خود اعضاء است دیگر بسته است بنظر مجلس.

رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - این یک کار افتخاری است کار افتخاری رنگ سیاسی ندارد که جلسات خود شان را مجبور باشند مشغول انتخاب هیئت رئیسه بکنند و ششاه بگمربته یک سال بگمربته هی مشغول انتخاب هیئت رئیسه بشوند.

بعقیده بنده اگر در نظامنامه مجلس شورای ملی هم تجدید نظری بشود باید این اصلاح را بکنیم و يك ماده جدیدی وضع بکنیم که چند جلسه وقت ما مشغول انتخاب هیئت رئیسه نشود - در انجمن بلدی هم يك عده اشخاصی که کسب و کار دارند دعوت میشوند برای نظارت در عملیات بلدیة شهر که ماهی يك دفعه بیایند به نشینند و مشغول رسیدگی بکارهای بلدیة شوند آنوقت سالی یکمرتبه چند جلسه مشغول انتخاب هیئت رئیسه بشوند این بی فایده است . رئیس ناظم است مواجب و اختیارانی که برای رئیس نیست فقط نظم آن هیئت را باید عهده دار باشد حالا اگر عاجز شد خودش استعفا میدهد و دیگری بجای او انتخاب میشود . چون چهار سال مدت انجمن بلدی است و بعد از دو سال بحکم قرعه نصف آنها خارج میشوند از این جهت مدت را دو سال قرار داده اند و ضرر بهم ندارد . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود . پیشنهاد آقای احتشام زاده :

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۳۱ اضافه شود و پس از انتخاب هیئت رئیسه اعتبار نامه وکلای بلدیة رسیدگی و بصحت و سقم آن رای میدهند .

پیشنهاد آقای میر ممتاز : پیشنهاد میکنم در ماده ۳۱ جمله ( وکلای بلدی ) در اول ماده نوشته و در آخر ماده دو سال تبدیل به ( یکسال ) شود .

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب : پیشنهاد میکنم که مدت انتخاب هیئت رئیسه یکسال باشد .

رئیس - ماده سی و دوم قرائت میشود :

ماده ۳۲ - وکلای بلدی قبل از شروع با اجرای وظایف قسم یاد می کنند که با کمال راستی و درستی موافق قانون تکالیف خود را انجام دهند .

رئیس - مخالفی ندارد ؟ گفته شد خیر .

رئیس - ماده ۳۳ قرائت میشود :

ماده ۳۳ - امور راجعه بانجمن بلدی از قرار ذیل است :  
۱ - تعیین نوع و میزان عوارض بلدی و پیشنهاد آن بر طبق ماده  
۲ - تصویب بودجه و اعتبارات .

۳ - طرح لایحه استقراض بلدی و پیشنهاد آن بر طبق ماده

تبصره - پیشنهاد استقراض در موردی است که امور مهمه و ضروری عام المنفعه با ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی در نظر باشد .

۴ - طرح لایحه امتیازات شهری و پیشنهاد آن بر طبق ماده

۵ - تصویب قراردادها و معاملات راجعه بشهر -

۶ - تصویب ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی -

۷ - تصویب افتتاح حساب جاری -

۸ - تصویب خرید اموال منقوله و غیر منقوله -

۹ - قبول کردن اعانه باسم شهر -

۱۰ - رسیدگی بحساب بلدیة -

۱۱ - نظارت در جریان امور بلدیة -

۱۲ - تصویب نظامنامه های داخلی اداره بلدیة -

۱۳ - تصویب قواعد و نظامات عبور و مرور شهری

و تعیین میزان اجرت و سایط نقلیه در شهر -

۱۴ - تصویب تغییرات در نقشه شهر مطابق فقره

شش از ماده اول -

مخبر - سه جزو در این ماده هست که در موقع طبع گویا اشتباه شده است و طبع نشده - جزو اول ذکر شده است ( بر طبق ماده ) مراد ماده ۴۸ همین قانون است همچنین جزو سوم باز ذکر شده است بر طبق ماده - مراد ماده ۴۸ همین قانون است و جزو چهارم هم مراد ماده چهارم و هشت است و برای توضیح ماده چهارم و هشت را بعرض میرسانم این است :

لواج پیشنهادی انجمن بلدی که باید بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بوسیله رئیس بلدیة بوزاری داخله ارسال میشود این لواج باید با موافقت حکومت محل تنظیم شده باشد

رئیس - ( خطاب بمخبر ) جزء اول بر طبق ماده چندم بود ؟  
مخبر - در هر سه مورد بر طبق ماده چهارم و هشت است  
رئیس - آقای روحی -

روحی - تصور میکنم روزیکه این قانون در کمیسیون داخله مطرح شده است نظر آقایان اعضاء کمیسیون این بوده است که بلدیة با همین عایداتی که دارد زندگی کند و بنده اصولا با این اصل مخالفم و در کلیات اول هم متأسفانه زود مذاکرات کافی شد - و نتوانستم مطالب خود را بعرض برسانم - عرض میکنم که بلدیة هر شهری مطابق معمول تمام دنیا باید بودجه اش را خود شهر بدهد اگر عوارض زیاد تر است بلدیة اش بهتر است و اگر کمتر است کمتر - مثل اینکه در پای تخت که بلدیة اش عزیز تر است برای این است که عوایدش زیاد تر است - و اینکه بودجه بلدیة رادولت معین بکنند بنده مخالفم - و با اینکه اعضاء بلدیة حقوق بگیرند مخالفم - چون بودجه بلدیة کفایت نمیکند که بخواهند بانها حقوق بدهند - و بنده عقیده دارم که چون اینها از مردمان محترمی هستند که در هر محل انتخاب میشوند بنا بر این اجازه بدهند قوانین موقتی برای عوارض بلدی خودشان وضع و اجرا نمایند بعضی از نمایندگان - خیر نمیشود

روحی - اگر میخواهید تقلید از دنیا بکنید اینطور است - که من عرض کردم اگر من دراری است که بنده نمیدانم - بنده عرض میکنم راجع بعوارض شهری بلدیة باید حق داشت باشد يك عوارضی را وضع کند و بگیرد ولی پس از آنکه عملی شد آنوقت بتوسط وزارت داخله قانونش را پیشنهاد کنید به مجلس و اینطور دست و پای وکلای بلدیة را بستن و آنها را محدود کردن بنده مخالفم و بالاخره عقیده دارم که اگر میخواهید بلدیة داشته باشیم باید يك اختیارات بسیطی بآنها بدهیم .

رئیس - آقای حائری زاده .

حائری زاده - بدیهی است قوانین عادی که ما مکلف هستیم در اطرافش صحبت کنیم باید شکلی تنظیم شود که

منافاتی با قوانین اساسی مملکتی نداشته باشد مواد امتیازات انحصارات وضع مالیات - این قبیل چیزها از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و ما نمیتوانیم يك حق را بر خلاف قانون اساسی از مجلس شورای ملی سلب کنیم و به بلدیة بدهیم ولی ممکن است يك چیزهایی خود محل به بلدیة کمک کند این را ما اسمش را مالیات نمیتوانیم بگذاریم مثلا قصابهای شهری آمدند و يك مسلخی برای آن شهر ساختند و برای ساختن مسلخ آن شهر قرار گذاشتند کوسفندی بکشاهی پنجشاهی بکفران بدهند که يك مسلخ برای شهر ساخته شود یا وسائل نقلیه تمیز برای گوشت تهیه شود البته وقتیکه این قرار داد بسته شد و همه امضا کردند بلدیة مباشرت میکند و وظایف خودش را انجام میدهد ولی اسم این را نمیشود مالیات گذاشت اما اگر انجمن بلدی خواست عوارضی تحمیل کند باصناف و اصناف هم میل نداشته اند بصورت يك مالیاتی رایید می کنند و بدون تصویب مجلس شورای ملی نمیشود . مادر قوانین يك اصل را که مخالف با قانون اساسی باشد نباید تصویب کنیم . معاون وزارت داخله - يك قسمت را آقای حائری زاده بیان کردند و توضیح دادند اما راجع باین قسمت که آقای روحی فرمودند که نظر این بوده است بلدیة با همین عایداتی که فعلا دارد زندگی کند عرض میکنم نظر این نبوده است از مندرجات این ماده هم خوب معلوم میشود که ما کاملا پیش بینی کرده ایم که بلدیة و انجمن بلدی تعیین نوع و میزان عوارض بلدی را بنماید . پس معلوم میشود که باید پیش بینی هائی برای عایدات بلدیة بکنند که بلدیة با آن عایدات بتواند زندگی کند و البته بتدریج هر قدر عایداتشان بیشتر شود توسعه بلدیة هم بیشتر میشود . اما اینکه قید کردیم بر طبق ماده چهارم و هشت باید مجلس تصویب کند این مانع از این نیست که بلدیة بتواند وضع عایدات کند بلکه فلسفه آن اینست که آقای حائری زاده توضیح دادند . مقصود این است هر گونه عوارض و مالیاتی که وضع میشود باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد و نظر ما این بود که احترام قانون اساسی را کاملا رعایت کرده باشیم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده موافقم با نظری که آقای حائری زاده و آقای معاون محترم اظهار کردند ولی حالا که خواستند کاملاً اصول قانون اساسی را محافظت کنند اینجا يك چیزی است «تصویب بودجه و اعتبارات» بنده عقیده ام این است که این را هم در آن داخل کنید برای اینکه خیلی محکم تر میشود که بودجه بیاید و در مجلس تصویب شود. یکی هم راجع بقرارداد هاست قرار دادها مطابق قانون اساسی نه منحصر بامتيازات شهری است که در اینجا نوشته است (امتيازات شهری و پیشنهاد آن بر طبق ماده ۴۸) بنده عقیده ام این است قرارداد های راجع بشهری هم مطابق همان ماده است و باید بیاید در مجلس و تصویب شود

معاون وزارت داخله -- عرض میکنم. اما راجع به تصویب بودجه بلديه تصدیق میفرمائید که کار مجلس شورای ملی را نباید زیاد کرد. برای اینکه يك کارهایی را که خود مجلس اجازه بدهد يك انجمنی که مطابق قانون تصویب شده که آن کارهای محلی و شهری را انجام بدهد در واقع اصول آن را مجلس تصویب کرده چون اگر بنا شود که بودجه تمام بلديه های ولایات باید بمجلس تصدیق میفرمائید که کار زیادی است و خیلی وقت مجلس را میگیرد بعلاوه وقتی که اصولاً مجلس رای داد و تصویب فرمود که این کار بانجمن محلی است که منتخب شهر است و آن انجمن هم بموجب این قانون تشکیل میشود این مقصود اساساً حاصل است و اما راجع بقراردادها که فرمودند این کلمه (قرارداد) يك اصطلاحی است نه اینکه تصور بفرمائید چیزهای دیگری باشد. قرارداد را ما اصطلاح میکنیم برای تصمیمات انجمن که ممکن است راجع بموضوعات جزئی باشد از قبیل معاملات بلديه و غیره که باید انجمن بلديه تصویب کند. یا کنتراست است یا معامله خرید و فروش که قرارداد میکنند و این کار خود انجمن است اما راجع بمعاملات مهمتر شهر مثل استقراض

یا از این قبیل چیزها آن را قید کرده ایم که باید به تصویب خود مجلس باشد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادات قرائت میشود: پیشنهاد آقای میر ممتاز.

(شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکند جزء دوازده از ماده ۳۳ بطریق ذیل اصلاح شود.

تصویب کلیه نظامنامه های داخلی اداره و مؤسسات بلديه ایضاً پیشنهاد آقای میر ممتاز

پیشنهاد میکند جزء ۸ از ماده ۳۳ بطریق ذیل اصلاح شود.

تصویب خرید و فروش اموال منقوله و غیر منقوله و تبدیل عوارض جنسی بنقدی

پیشنهاد دیگر آقای میر ممتاز

پیشنهاد میکنم فقره اول از ماده ۳۳ بطریق ذیل نوشته شود.

تعیین نوع و میزان عوارض بلدی از راههای اطراف شهر 'پلها' 'معارف' 'سلاخ خانه ها' 'لوله های میاه' 'زیربها' 'رود خانه ها' 'اراضی' 'رخت شوخانه ها' 'باغهای عمومی و غیره آنچه متعلق بشهر است و پیشنهاد آن بر طبق ماده .. ایضاً پیشنهاد آقای میر ممتاز

بنده پیشنهاد میکند از جزء ۱۳ ماده ۳۳ بعد از کلمه نظامات جمله (عبور و مرور) حذف و بعد از وسائط نقلیه (حوزه شهر) نوشته شود

رئیس -- دو پیشنهاد دیگر است باز متعلق به آقای میر ممتاز. اگر ماده را از اول تا آخر اصلاح میفرمودید گمان میکنم اولی بود. بهر حال قرائت میشود: (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکند در جزء ۲ از ماده ۳۳ بعد از تصویب بودجه و اعتبارات نوشته شود «و تعیین مقرري برای مستخدمین ادارات بلديه»

پیشنهاد میکنم فقرات ذیل بماده ۳۳ الحاق شود

۱ - تعیین بقابای شهری که از وصول آن باید صرف نظر شود.

۲ - رسیدگی و مذاقه بمواد شکایات از بلديه و قبول درخواست و پیشنهادات اهالی و تعقیب آنچه بمنافع شهری و مصالح عمومی است

پیشنهاد آقای احتشام زاده

بنده پیشنهاد میکنم در کلیه فقرات ماده ۳۳ بعد از کلمه شهر اضافه شود «یا قصبه»

پیشنهاد آقای یاسائی: بنده پیشنهاد میکنم فقره ۱۵ ماده ۳۳ بنحو ذیل اضافه شود

۱۵ - نظارت در موقوفات متعلقه بشهر

پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۳۳ در ضمن امور راجعه بانجمن بلدی این فقره نیز اضافه شود: تعیین نرخ ارزاق و اجناس در شهر یا قصبه.

پیشنهاد آقای عمادی و آیه الله زاده خراسانی: پیشنهاد میکنم که قانون وحدت اوزان و مقادیر که در دوره پنجم وضع شده در جزو وظایف بلدی مقرر نا عملی شود پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب: پیشنهاد میکنم در ماده ۳۳ جزء پنج بعد از کلمه قرار داد اضافه شود «چنانچه قرارداد با خارجه باشد باید مطابق ماده ۴۸ باشد»

پیشنهاد آقای سهراب خان: بنده پیشنهاد میکنم بند الحاقی ذیل بماده ۳۳ اضافه شود:

تنظیم و برقراری مال الاجاره خانه ها و دکا کین و غیره و ایجاد وسایل تسهیلات برای اهالی از قبیل قوه الکتریکی شبانه روزی تراموای روشنائی شب و غیره

پیشنهاد آقای فهمی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳۳ فقرات ۱ و ۲ و ۸ و ۱۳ بطریق ذیل اصلاح شود.

۱ - تهیه لایحه و برقراری و الغاء یا تغییر عوارض بلدی و اصلاح نظامنامه آن

۲ - تصویب بودجه و اعتبارات تخصیص شده برای

بلدی و مؤسسه مربوطه آن و رسیدگی بحساب اداره بلدی و تصویب لایحه تفریح بودجه آن.

۸ - تصویب خرید و فروش و اجاره و هرگونه معاملات راجعه باموال منقول یا غیر منقول متعلقه بحوزه بلدی.

۱۳ - تصویب قواعد و نظامات عبور و مرور شهری و تعیین میزان حق العبور و اجرت و سائط نقلیه در شهر و راههای اطراف.

بعلاوه در فقره ذیل بماده اضافه شود.

۱۵ - تخصیص و تعیین یکی از ابنیه شهری و عمومی برای یکی از مؤسسات بلدی یا مملکتی

۱۶ - شور و مذاکره در کلیه مسائلی که قوانین موضوعه تصویب آنرا بشور در انجمن بلدی موکول کرده باشد.

پیشنهاد آقای فرشی: پیشنهاد میکنم در قسمت ۱۴ بعد از تغییرات در نقشه شهر علاوه شود وسعت شوارع و خیابانها.

پیشنهاد آقای فرهمند: بنده پیشنهاد میکنم قسمت ۱۱ بان ترتیب نوشته شود: نظارت در جریان امور بلديه و مؤسسات خیریه

رئیس -- پیشنهادات به کمیسیون ارجاع میشود. آقای

عمادی پیشنهاد ختم جلسه را کرده اند

جمعی از نمایندگان صحیح است

رئیس -- جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور: اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع بالغاء مالیات صنفی.

دوم خبر کمیسیون داخله راجع بهمین قانون بلدی. آقای فاطمی

فاطمی -- بنده همان موقعی که خبر گرفتاری نجاران رسید رسیده بود يك سؤالی از وزارت امور خارجه کرده بودم و تقاضای فوریت هم کرده بودم و تا با امروز برای جواب حاضر نشده اند. اگر چه در نظامنامه داخلی معین نشده

رئیس - آنهم در درجه سوم جزء دستور میشود .  
آقای دادگر

دادگر - بطوریکه آقای وزیر مالیه بعرض مقام منبع ریاست رساندند لایحه دفع آفات حیوانی را تقاضا کردند جزء دستور شود ، بنده خواستم عرض کنم که این لایحه برای کدام گاوها خواهد بود ، زیرا همه مرده اند و شاید برای آن یکی از هزار بادو ازدو هزار نافع باشد یا نباشد آنهم مجهول است ولی علی ای حال خواستم تقاضا کنم در جلسه آینده در اول دستور باشد و همینطور میخواستم تقاضای فوریت آن را بکنم که در جلسه آینده شاید بگذرد و تصویب شود  
رئیس - فوریت که موقعش گذشته است خبرش هم هنوز از کمیسیون نرسیده هر وقت خبر از کمیسیون رسید جزء دستور میشود ، دستور همان بود که معین شد .  
مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

که وزراء جواب سؤالات را تا چه موقعی میتوانند بتأخیر بیاندازند ولی چون این قضیه مهم است و بنده خیال میکنم همه آقایان و همه مملکت علاقه مند هستند مقتضی است آقای وزیر امور خارجه زودتر حاضر شوند که معلوم شود نتیجه اقدامات دولت تا بحال چه بوده . این است که استدعا می کنم تأکید بفرمائید در جلسه آتی حاضر شوند و جواب این مسئله را بدهند

رئیس - تأکید میشود . آقای فهیمی

فهیمی - بنده خواستم استدعا کنم لایحه الغاء مالیات روده را هم جزء دستور قرار دهند راپرت آنهم تا روز یکشنبه حاضر میشود

رئیس - پنج روز باید فاصله داشته باشد

فهیمی - چون تا روز يك شنبه پنج روز میشود و راپرتش هم تا روز شنبه تقدیم خواهد شد